

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحِيمِ

جلسه دوم شرح و تفسیر نهج البلاغه نامه ۳۱

فَإِنِّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بُنْيٍّ وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ، وَ أَيُّ سَبَبٍ أُوثِقُ مِنْ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ. أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ وَ أَمْتَهُ بِالزَّهَادَةِ وَ قُوَّهُ بِالْيَقِينِ وَ نَوِّرْهُ بِالْحِكْمَةِ وَ ذَلِّلْهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ قَرِّرْهُ بِالْفَنَاءِ وَ بَصِّرْهُ فَجَائِعِ الدُّنْيَا وَ حَذِّرْهُ صَوْلَةَ الدَّهْرِ وَ فُحْشَ تَقَلُّبِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ اعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِيْنَ وَ ذَكِّرْهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ سِرِّ فِي دِيَارِهِمْ وَ آثَارِهِمْ، فَانظُرْ فِيمَا فَعَلُوا وَ عَمَّا انْتَقَلُوا وَ أَيْنَ حَلُّوا وَ نَزَلُوا، فَإِنَّكَ تَجِدُهُمْ قَدِ انْتَقَلُوا عَنِ الْأَحْبَةِ وَ حَلُّوا دِيَارَ الْغُرْبَةِ وَ كَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ صِرْتَ كَأَحَدِهِمْ، فَأَصْلِحْ مَثْوَاكَ وَ لَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ.

فرهنگ نهج البلاغه (رحیمی نیا)

قَرِّرْهُ بِالْفَنَاءِ: از آن اقرار به فناء را طلب کن، به پذیرفتن فناء وادارش ساز .

بَصِّرْهُ: او را بصیر و بینا کن .
الْفَجَائِعُ: جمع «فَجِيعَةٌ»، مصائب دردناک.

واژه های نهج البلاغه (عمران علی زاده)

قَرِّرْهُ بِالْفَنَاءِ: از آن اقرار به فناء را طلب کن، به پذیرفتن فناء وادارش ساز .

بَصِّرْهُ: او را بصیر و بینا کن .
ذَلِّلْهُ: آنرا رام و مطیع کن
أَمْتَهُ: او را بکش

قَرِّرْهُ: آنرا تثبیت کن
حَلُّوا: حلول نمودند، وارد شدند
مَثْوَى: خوابگاه (قبر)

ترجمه دستی

۲- مراحل خودسازی

پسرم همانا تو را به ترس از خدا سفارش می کنم که پیوسته در فرمان او باشی، و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی، چه وسیله ای مطمئن تر از رابطه تو با خداست اگر سر رشته آن را در دست گیری. دلت را با اندرز نیکو زنده کن، هوای نفس را با بی اعتنائی به حرام بمیران، جان را با یقین نیرومند کن، و با نور حکمت روشنائی بخش، و با یاد مرگ آرام کن،

به نابودی از او اعتراف گیر، و با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی بخش، و از دگرگونی روزگار، و زشتی های گردش شب و روز او را بترسان، تاریخ گذشتگان را بر او بنما، و آنچه که بر سر پیشینیان آمده است به یادش آور .

در دیار و آثار ویران رفتگان گردش کن، و بیندیش که آنها چه کردند از کجا کوچ کرده، و در کجا فرود آمدند از جمع دوستان جدا شده و به دیار غربت سفر کردند، گویا زمانی نمی گذرد که تو هم یکی از آنانی پس جایگاه آینده را آباد کن، آخرت را به دنیا بفروش.

شرح و تفسیر آیت الله مکارم شیرازی

محکم ترین وسیله نجات:

در این بخش از نامه، امام(علیه السلام) اندرزهای روح پرور و سازنده خود را آغاز می کند و در عبارات کوتاه چهار دستور به فرزندش می دهد؛ دستوراتی که عصاره همه فضیلت هاست.

سفارش به تقوا همان سفارشی است که همه انبیا و اوصیا سر آغاز برنامه های خود بعد از ایمان به پروردگار قرار داده اند؛ همان تقوایی که زاد و توشه راه آخرت و ملاک فضیلت و برتری انسان ها بر یکدیگر و کلید در بهشت است. تقوا به معنای خداترسی درونی و پرهیز از هرگونه گناه و احساس مسئولیت در پیشگاه پروردگار که سد محکمی در میان انسان و گناهان ایجاد می کند. مرحله ادنای آن عدالت و مرحله اعلای آن عصمت است.

به التزام به اوامر الهی اشاره می کند، همان که در قرآن مجید به عنوان (اطیعوا الله) آمده و از میوه های درخت پر بار تقواست.

تعبیر به «عِمَارَةُ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ» اشاره به اهمیّت ذکر الله است که بدون آن خانه قلب ویران می شود و جولانگاه لشکر شیطان. قرآن مجید می فرماید: (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (رعد/۲۸) هم آبادی دل ها و هم آرامش آن در سایه ذکر خداست نه تنها ذکر لفظی . هرچند ذکر لفظی هم بسیار مهم است . بلکه ذکر عملی آن گونه که در روایات وارد شده و آن است که چون تصمیمی بر معصیت می گیرد خداوند عز و جل را یاد کند و یاد خدا میان او و آن معصیت حائل شود و این همان چیزی است و تعبیر به «الإِعْتِصَامُ بِحَبْلِهِ» اشاره به چنگ زدن به قرآن مجید است که همه برنامه های سعادت در آن هست و درخود قرآن به آن اشاره شده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ و همگی به ریسمان خدا (قرآن، و هرگونه وحدت الهی)، چنگ زنید و پراکنده نشوید». (آل عمران /۱۰۳)

می دانیم برای حبل الله در آیه شریفه مزبور معانی بسیاری ذکر کرده اند؛ بعضی از مفسران آن را اشاره به قرآن، بعضی اشاره به اسلام و بعضی گفته اند که منظور خاندان پیغمبر و اهل بیت (علیهم السلام) است ولی در میان این تفاسیر اختلافی نیست، زیرا «حبل الله» به معنای ارتباط با خداست که تمام اینها را شامل می شود.

به همین دلیل امام (علیه السلام) در ادامه می فرماید: «و کدام وسیله می تواند میان تو و خداوند مطمئن تر از حبل الله باشد تعبیر به حبل (ریسمان و طناب) اشاره به این است که چون انسان بدون تربیت الهی در قعر چاه طبیعت گرفتار است، ریسمانی محکم لازم است که به آن چنگ زند و از آن چاه در آید و این ریسمان همان قرآن و اسلام و عترت است.

دل را با اندرز زنده کن:

امام (علیه السلام) در این بخش، دوازده اندرز مهم که سبب تکامل روح و جان و پیدایش حیات معنوی در انسان است بیان می کند و از احیای قلب شروع می کند قلب که در این گونه موارد به معنای روح و عقل و ادراک است تا زنده نشود هیچ قدمی به سوی تکامل و تعالی برداشته نخواهد شد و سیر الی الله در همان جا متوقف می گردد. آنچه مایه حیات قلب است موعظه ها و اندرزهایی است که از سوی خداوند در قرآن و پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و امام معصوم (علیه السلام) در روایاتشان و همچنین از سوی حوادث روزگار و تاریخ بشر بیان می شود.

حقیقت موعظه و اندرز، توصیه به نیکی ها و خوبی ها و پرهیز از بدی ها و زشتی هاست که هرگاه با دلایل و شواهد همراه باشد و از دل بر آید و آمیخته با خیرخواهی و دلسوزی باشد بر دل می نشیند.

جمله «أَمَّتُهُ بِالزَّهَادَةِ؛ دل را با زهد بمیران» منظور قلبی است که اسیر هوا و هوس ها باشد. چنین قلبی باید با زهد بمیرد و حیاتی با موعظه از سر بگیرد. این تعبیر بسیار جالبی است که امام (علیه السلام) نخست به احیای قلب دستور می دهد و بعد به اماته و میراندن او؛ دستور نخستین ناظر به جنبه های مثبت عقل و روح و دستور دوم ناظر به جنبه های منفی و اسیر بودن عقل در چنگال شهوات است.

بعد از آنکه قلب با موعظه زنده شد و عوامل مزاحم با زهد حذف گردید، نوبت به تقویت آن می رسد. امام (علیه السلام) در جمله «وَقَوِّهِ بِالْيَقِينِ» از تقویت آن به یقین سخن می گوید، یقینی که از مطالعه اسرار آفرینش و یا عبادت و بندگی خدا حاصل می شود و به دنبال تقویت، به نورانی کردن دل می پردازد و در جمله «وَنَوِّرُهُ بِالْحِكْمَةِ» طریق نورانی ساختن آن را که فزونی علم و دانش است نشان می دهد.

از آنجا که روح آدمی ممکن است سرکشی کند، راه مهار کردن آن را در عبارات «وَذَلَّلَهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَقَرَّرَهُ بِالْفَنَاءِ» نشان می دهد، زیرا یاد مرگ و اقرار به فنا، هر انسان سرکش و چموشی را وادار به تسلیم می کند.

و بعد می فرماید پرده های غفلت و هوا و هوس چنان بر قلب انسان فرو می افتد و آن را از درک حقایق مربوط به زندگی و سعادت خویش باز می دارد. برای کنار زدن این پرده های غفلت و بینا ساختن دل، چیزی بهتر از آن نیست که انسان حوادث تلخ دنیا و آفات و بلاها و دگرگونی های ناگهانی مورد دقت قرار دهد و بینایی را به دل باز گرداند.

تعبیر به «فَجَائِعِ الدُّنْيَا» اشاره به فجایع مردم دنیاست که همواره دگرگونی هایی را به دنبال دارد، یا اشاره به حوادث تلخی که ناخواسته در زندگی انسان ها رخ می دهد.

جمله «صَوْلَةَ الدَّهْرِ» با توجه به اینکه «صَوْلَةٌ» به معنای حمله قاهرانه است، خواه این حمله از سوی حیوان درنده ای باشد یا انسان نیرومند ظالم، اشاره به آفات و بلاها و بیماری ها و ناکامی ها است که همچون حیوان درنده ای به انسان حمله می کند در حالی که در مقابل آن قادر به دفاع از خویش نیست.

فقره «فُحْشَ تَقَلُّبِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ» با توجه به اینکه فحش به معنای هرگونه کار زشت و ناخوشایند است اشاره به این دارد که با گذشت روزها و شب ها دگرگونی های ناخوشایندی در زندگی فرد و جوامع بشری رخ می دهد و فضای زندگی را تیره و تار می سازد. اگر انسان در این امور دقت کند بر بینایی او نسبت به حقایق این جهان و مسیر صحیح زندگی می افزاید.

آن گاه امام (علیه السلام) به شرح این مطلب می پردازد و می فرماید در زمین گردش نمایید و از حوادث آن عبرت بگیرید.

مهم این است که در گوشه و کنار این کره خاکی در بسیاری از شهرها و روستاها آثاری از پیشینیان دیده می شود؛ آثاری خاموش که گذشت روزگار آنها را به ویرانی کشیده؛ ولی در عین خاموشی هزار زبان دارند و با ما سخن می گویند و سرانجام زندگی دنیا را به همه ما نشان می دهند در حالی که اگر از آنها درس عبرت بگیرند سزاوارتر است

امام (علیه السلام) در ادامه این سخن شرح بیشتری بیان کرده می فرماید: آری در هر چیز تردید کنیم در این حقیقت که همه ما بدون استثنا همان مسیر پیشینیان را خواهیم پیمود، تردید نخواهیم کرد. روزی فرا می رسد که با همسر، فرزند، دوستان، اموال، مقامات و وسایل زندگی وداع خواهیم گفت، همه را می گذاریم و می رویم.

موسسه فرهنگی قرآن و عترت غدیر گچساران

گروه قرآن و عترت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کهگیلویه و بویر احمد